

1. بی بی مریم بختیاری



-سردار بختیاری و حامی جنبش مشروطه

-تولد ۱۲۵۳، اصفهان

-مرگ ۱۳۱۶

او از زنان تحصیل کرده زمان مشروطه بود که به حمایت از آزادی خواهان برخاست و حتی به تهران لشکرکشی کرد. به واسطه زندگی در ایل بختیاری و پدرش که خان ایل بود تیراندازی و سوارکاری می دانست.

می گویند او از مشوقان اصلی برادرش علیقلی خان سردار اسعد برای فتح تهران بوده است. پیش تر در زمان استبداد صغیر، افراد ایل را به مبارزه علیه استعمار تشویق می کرده است. قبل از فتح تهران، همراه سواران مخفیانه وارد پایتخت شد و شبانه روی سقف خانه ای که روبه روی مجلس بهارستان بود سنگر بندی کرد تا بعد از ورود سردار اسعد بختیاری با قزاق ها بجنگند.

بعد از این ماجرا در ایل بختیاری به بی بی مریم، لقب سردار دادند.

او در خاطراتش درباره دلایل اینکه زنان در جامعه عقب مانده اند نوشته " ... تمام بدبختی های ما از خودمان می باشد، زیرا که نه علم داریم و نه حقوق خود را می دانیم، اگر ما هم بدانستیم که برای چه خلقت شدیم، البته در اطراف حقوق خود جان فشانی ها می کردیم.

ما حالا فکر می کنیم فقط برای رفع شهوت مردها خلق شده ایم یا برای اسارت و کنیزی خلق شده ایم. ما می توانستیم برای حقوق انسانی خود به تمام ملل عالم تظلم بکنیم و حقوق خود را برقرار بکنیم ... اما ما زن های ایرانی ابدا از عالم انسانیت خارجیم..."

بی بی مریم بختیاری از معدود زنان عصر مشروطه است که خاطرات زندگی خود را نوشته است. منابع ایل

بختیاری نقل کرده‌اند که سردار بی‌بی مریم بختیاری سال ۱۲۸۸ خورشیدی در جنگ آزادسازی اصفهان به همراه خواهرش بی‌بی لیلی فرماندهی یک ستون سواره نظام را به عهده داشته است.

سال ۱۲۹۵ هم که یک افسر آلمانی با سربازانش در کنار عشایر جنوب ایران علیه انگلیسی‌ها مبارزه می‌کرد، سردار مریم بهترین نیروهای خود را برای همراهی با او به تنگستان فرستاد.

گفته می‌شود که در دوران جنگ جهانی اول خانه او در اصفهان پناهگاهی بوده است برای فعالان سیاسی و فرهنگی مانند علی‌اکبر دهخدا، ملک‌الشعرا بهار و در مقطعی در سال ۱۲۹۹ پناهگاهی برای محمد مصدق. سایه‌ای از زندگی پارتیزانی و مقاومت‌های بی‌بی مریم بختیاری، بعدها در سرنوشت فعالان چپ دیده می‌شد. زنانی مانند مریم فیروز و اشرف دهقانی که الگوی بسیاری از زنان چپ در ایران بوده‌اند

2. زینب پاشا



-مبارز اجتماعی در تبریز

-تولد نامعلوم

-زندگی و مرگ در فاصله سال‌های ۱۲۳۰ تا ۱۳۰۰ خورشیدی

از جزئیات زندگی زینب پاشا پیش از جنبش تنباکو اطلاعات زیادی در دسترس نیست. گفته می‌شود که در خانواده‌ای روستایی و تهیدست در یکی از محله‌های قدیمی تبریز به دنیا آمد.

نام زینب معروف به دهباشی زینب یا زینب پاشا با شورش نان در تبریز و قیام علیه واگذاری امتیاز فروش تنباکو
گره خورده است.

تابستان ۱۲۷۰ زینب پاشا در ناآرامی‌های تبریز نقش مهمی به عهده داشت. در جریان نهضت تنباکو بعد از بسته
شدن بازار تبریز، مأموران باارباب و فشار دوباره دکان‌ها را باز می‌کنند. گفته می‌شود زینب پاشا که عادت داشت دو
گوشه چادر را به کمر ببندند همراه عده‌ای دیگر از زنان با چوب و چماق وارد بازار می‌شوند و دکان‌ها را
می‌بندند.

نوشین احمدی خراسانی در مقاله‌ای در نشریه بایا از زینب پاشا روایت کرده است که روزی در جمع تبریزی‌ها
که از شرایط ناراضی بودند حاضر می‌شود و خطاب به جمع می‌گوید: "اگر شما مردان جرأت ندارید جزای ستم
پیشگان را کف دستشان بگذارید، اگر می‌ترسید که دست دزدان و غارتگران را از مال و ناموس و وطن خود کوتاه
کنید، چادر ما زنان را سرتان کنید و در کنج خانه بنشینید و دم از مردی و مردانگی نزنید، ما جای شما با
ستمکاران می‌جنگیم."

اواخر دوره ناصرالدین‌شاه هم‌زمان با شورش نان در تهران و اعتراض زنان به ناصرالدین‌شاه، شماری از زنان
تبریز هم به سرکردگی زینب پاشا اعتراض خیابانی کردند. در منابع مختلف گفته شده که در جریان
درگیری‌ها چند زن کشته شدند.

زینب پاشا علاوه بر ساماندهی اعتراض خیابانی به انبارهای غله از جمله انبار والی آذربایجان حمله کرد. او گندم
و آرد انبارها را بین گرسنگان توزیع می‌کرد. در هر دو ماجرای نهضت تنباکو و شورش نان در زمان ناصرالدین
شاه زنان زیادی نقش آفرین و فرمانده اعتراض‌ها بودند، از جمله انیس‌الدوله در دربار ناصرالدین‌شاه و زنی دیگر
به نام 'رستمه' در زنجان. اما هنوز هم در تبریز وقتی می‌خواهند زنی با اقتدار را مثال بزنند می‌گویند "مثل
دهباشی زینب یا زینب پاشا."

سایت بیتوته